

آی بچہ ما مثالی کنیہ غلیبہ تو قلب ما فقط علی امیہ



به نام خداوند بخشنده و مهربان

من بچه شیعه هستم

من بچه شیعه هستم، خدا را می پرستم
پیامبرم محمد ﷺ، که با او قرآن آمد
دختر او زهرا ﷺ بود، فاطمه‌ی کبری بود
در روز عید غدیر، بر ما علی ﷺ شد امیر
امام دوم ما، بخشنده بود و تنها
حسین ﷺ که شاه دین است، امام سومین است
وقتی که آب می خورم، بر او سلام می کنم
هریک از آن دعاها، پر معنی است و زیبا
شاگردها تربیت کرد، اسلام را تقویت کرد
صادق و راستگو بود، خدا هم یار او بود
اگر چه در زندان بود، معلم جهان بود
امید شیعیان است، چقدر مهربان است
کریم و بخشنده بود، ماه درخشنده بود
یادی راه دین بود، یاور مومنین بود
در خانه بود زندانی، شهید شد در جوانی
ولی به امر خدا، امام آخر ما
هزار و چندین ساله، شیعه در انتظاره
مهدی ﷺ ظهور می کنه، دشمن رو دور می کنه
ما بچه های شیعه، دعا کنیم همیشه

خدای پاک و دانا، مهربان و توانا
دین را به ما رسانده، او ما را شیعه خوانده
فدای دین شد جاننش، لعنت به دشمنانش
امیر مومنین است، امام اولین است
نام ایشان حسن ﷺ بود، صبور و خوش سخن بود
شهید کربلا شد، تربت او شفا شد
چهارم امام سجاد ﷺ، به ما دعاها یاد داد
پنجم امام باقر ﷺ، که علم از او شد ظاهر
ششم امام جعفر ﷺ، برای شیعه رهبر
هفتم امام کاظم ﷺ، صبور بود و عالم
امام هشتم ما، امام رضای ﷺ والا
نهم امام جواد ﷺ، رحمت حق بر او باد
دهم امام نقی ﷺ، پاک دل و متقی
یازدهم عسکری ﷺ، از همه عیبها بری
یازده امام معصوم، شهید شدند چه مظلوم
از چشم مردم بد، غایب شد و نیامد
بالاخره به روزی، می شه وقت پیروزی
جهان می شه پر از گل، نرگس و یاس و سنبل
با هم بگیریم: خدایا، بیار امام ما را



● دوست خوبم اگر میخواهی صوت و تصویر این شعر را بشنوی و ببینی
به کمک والدین، تصویر مقابل رو اسکن یا لینک رو جست و جو کنیدی:

داستان

اسم من هست. می خواهم برایتان خاطره ای مهم و شیرین تعریف کنم.
چند سال پیش وقتی ساله بودم، در بازار به همراه مادرم مشغول خرید بودیم که ناگهان مردی با
صدای بلند فریاد زد، آی مردم خبر خبر، به گوش باشید، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند به دستور خدا برای
حج به مکه خواهند رفت.

مردم که در بازار بودند بسیار تعجب کرده بودند و با هم گفتگو می کردند. مثلا مرد فروش یا
آن یکی که می فروخت، لبخندی زدند و گفتند: حتما دوست دارند با پیامبر ﷺ همراه شوند.
وقتی به خانه برگشتیم، پدر و مادرم تصمیم گرفتند، ما هم با پیامبر ﷺ همراه شویم و به سفر حج برویم. پس
شروع کردیم به جمع کردن وسایل مختلف.

مثلا لباس، کوزه و و را داخل کیسه ای بزرگ پارچه ای گذاشتیم و برای سفر
آماده شدیم. مردم در کوچه و بازار درباره این سفر صحبت می کردند. خیلی از مردم شهر مدینه
دوست داشتند با پیامبر ﷺ به سفر حج بروند.

چند نفر از دوستانم به نام های و هم به همراه خانواده خود آماده سفر
شده بودند. بالاخره روز سفر از راه رسید. پدرم من را سوار بر یک شتر کرد و گفت: حسابی مراقب
باش! مادر و پدرم هم گاهی پیاده و گاهی سوار بر شتر می شدند. مسیر طولانی بود و هوا حسابی گرم
شده بود. ظهرها وقتی درخت یا سایه ای پیدا می کردیم می ایستادیم تا استراحت کنیم و بعد از خواندن
نماز ظهر و عصر دوباره راه می افتادیم.

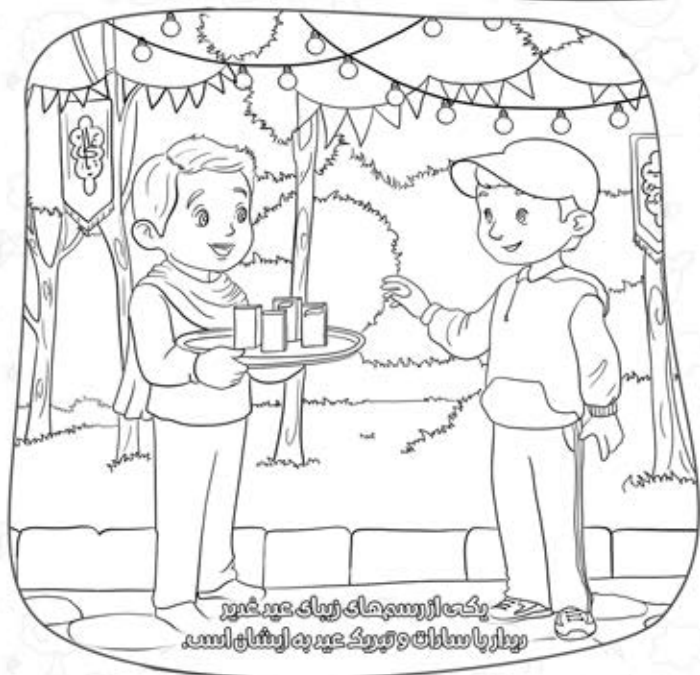
بعد از چند روز سفر بالاخره رسیدیم به شهر مکه! وای چقدر بزرگ و باشکوه است. کلی زائر خانه خدا
به این شهر آمده است. مکه همان شهری بود که پیامبر ﷺ در آن دنیا آمده بودند و در آن شهر زندگی
می کردند. نزدیک خانه خدا یعنی که رسیدیم، پیامبر ﷺ درباره چگونه طواف کردن و خواندن
دعاها مردم را راهنمایی کردند.

بالاخره مراسم حج به پایان رسید. مردم دسته دسته با پیامبر ﷺ خداحافظی می کردند و به شهر و شاید
کشورشان بر می گشتند. مثلا بعضی از مردم از شهر آمده بودند، عده ای از کشور
و همه آن ها خوشحال بودند که در کنار پیامبر ﷺ سفر حج را به پایان رساندند. اما پیامبر قبل از اینکه
مردم به شهرهایشان برگردند، برای مردم چند دقیقه ای صحبت کردند. ایشان فرمودند: این آخرین
حج عمرشان است، و سال آخر زندگی شان! مردم گریه می کردند و باورشون نمی شد. اما پیامبر ﷺ از
جانب خدا این حرف ها را می زدند و ادامه دادند: ای مردم من دو چیز گران بها برای شما باقی می گذارم:
یکی قرآن و دیگری اهل بیت ﷺ و اگر از آن ها پیروی کنید خوشبخت و رستگار خواهید شد.

سخنان پیامبر ﷺ که تمام شد، حسابی به فکر فرو رفتم. خب اگر پیامبر ﷺ از دنیا بروند، مردم بعد از ایشان از چه کسی سوالات شان را بپرسند؟ چه کسی رهبر و امام مردم خواهد بود؟ اینطوری که همه چیز بهم می ریزد. در همین فکر ها بودم که مادرم صدایم زد و ما هم راهی شهرمان یعنی شدیم. مسیر طولانی بود و باید پشت سر گذاشته می شد، من آن قدر خسته بودم که روی شتر خوابم برد. اما ناگهان با صدای بلندی از خواب پریدم: آی زائران خانه خدا، برگردید، برگردید، پیامبر ﷺ فرمودند همه در کنار بر که غدیر جمع شویم، ایشان فرمودند از جانب خدا حرف مهمی دارند که باید همه از آن با خبر شوند.

پدر و مادرم تعجب کردند، البته کمی هم نگران شدند. پدرم طناب شتر را گرفت و به سمت بر که غدیر حرکت کردیم. چند ساعتی در راه بودیم. وقتی به نزدیکی بر که غدیر رسیدیم آن قدر جمعیت زیاد بود که نمی شد فهمید دارد چه اتفاقی می افتد. نزدیک بر که شدیم، مادر و پدرم وضو گرفتند، چون تا نماز ظهر و عصر زمان زیادی باقی نمانده بود. بعد از دقایقی صدای اذان به گوش رسید. همه در صف های منظم ایستاده بودند و من از روی شتر هزاران نفر را می دیدم که در حال برگزاری نماز جماعت هستند.

بعد از نماز مردم از شدت گرمای هوا، زیر سایه ها مخفی می شدند یا عده ای مثل من روی سرشان یک پارچه خیس گذاشته بودند تا گرما آن ها را اذیت نکند. ناگهان صدای پیامبر ﷺ به گوشم رسید. همان صدای مهربان و زیبا! ایشان درباره خداوند و شکر نعمت هایش صحبت کردند، بعد درباره اینکه بعد از ایشان مردم باید راه راست را برای خود انتخاب کنند، نه راهی که موجب گمراهی و بد بختی شان می شود. در همین لحظه سکوت کردند و به علی بن ابیطالب ﷺ که داماد و پسرعمو و یار همیشگی ایشان بود، اشاره کردند تا کمی بالاتر روی جایگاهی که ساخته شده بود بایستد. و بعد این جمله را فرمودند: ای مردم هر که من مولا و سرپرست او بودم، بعد از من، این علی مولا و سرپرست اوست، و در همان لحظه دست حضرت علی ﷺ را بالا بردند و به همه نشان دادند. مردم خوشحال شده بودند و به حضرت علی تبریک می گفتند. پیامبر ﷺ فرمودند او امیرالمومنین است، پس به او با این عنوان تبریک بگویید. سخنان پیامبر ﷺ تمام شد، مردم گروه گروه برای تبریک و بیعت که معنایش قبول کردن دستورات است نزدیک پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ می شدند. من و پدر و مادرم هم به خیمه و چادر پیامبر ﷺ نزدیک شدیم، در صف منتظر ماندیم تا نوبت مان شود و بالاخره از نزدیک پیامبر ﷺ دیدیم و با حضرت علی ﷺ به عنوان امیرمومنان بیعت کردیم. هیچ وقت آن سفر را از یاد نمی برم. سفری که در آن حضرت علی ﷺ به عنوان جانشین پیامبر ﷺ معرفی شدند. الان سال هاست که از آن روز می گذرد و به یکی از سخنان پیامبر ﷺ در کنار بر که غدیر فکر میکنم. پیامبر ﷺ در آخرین حرف هایشان فرمودند: مردی از نسل ایشان خواهد آمد که همه ظلم ها و بدی ها را از بین خواهد برد و پس از ظهورش حق مظلومان را می گیرد. خیلی دوست دارم در زمان آن مرد باشم؛ همان کسی که پیامبر ﷺ فرمودند: او است و مردم را به سوی خداوند و حق دعوت می کند.



دوست خوبم تصویر زیر را طبق الگو رنگ آمیزی کن

۱: قهوه‌ای ۲: نارنجی ۳: زرد ۴: سبزروشن ۵: سبزتیره ۶: آبی ۷: آبی روشن



● دوست خوبم جواب سوال ها را از حروف داخل جدول پیدا کن سپس با کنار هم

گذاشتن حروف باقی مانده، رمز جدول را پیدا کن

ق	ه	ن	د	م	ف	ج
غ	ت	ع	ب	ح	ه	ط
د	ا	ر	ع	ا	س	ی
ی	ا	ل	ر	ی	ه	م
ر	ی	و	ش	م	د	ل
خ	ی	ت	ن	ه	و	ح
م	ر	س	م	ا	ز	ج
ت	ع	ا	د	و	ا	ة

۱- مراسم غدیر چند روز طول کشید؟

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله از چه شهری سفر خود را آغاز کردند؟

۳- آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله چه نام داشت؟

۴- نام محلی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن دستور توقف دادند چه بود؟

۵- مردم با گذاشتن روی هم برای پیامبر صلی الله علیه و آله منبر درست کردند.

۶- همه ی مردم تک تک به حضرت علی علیه السلام دست دادند و کردند.

۷- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس که من مولای او هستم هم مولای اوست.

۸- ماجرای غدیر در سال چندم هجرت اتفاق افتاد؟

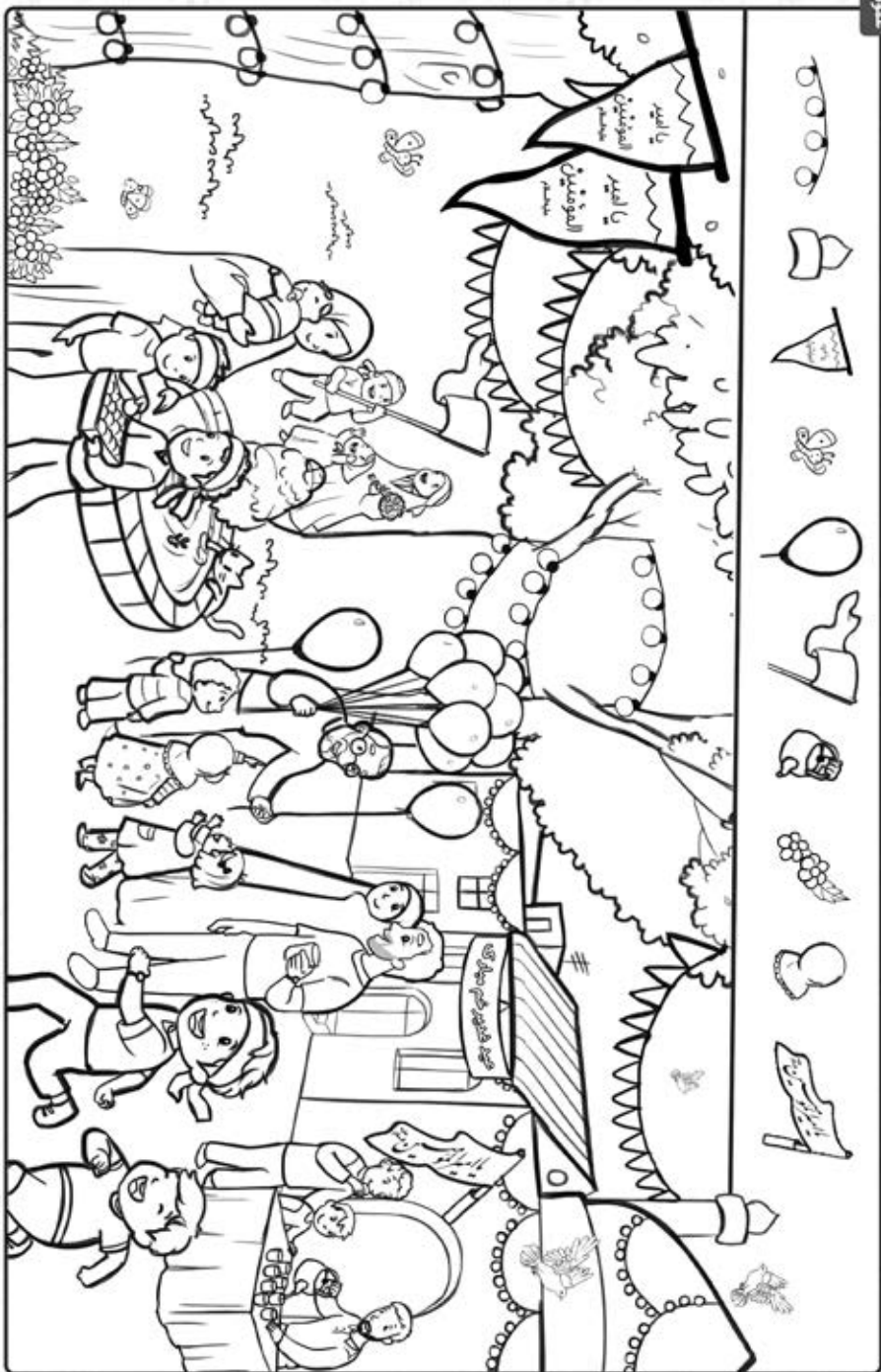
رمز جدول:

شعر

یه روز تو سرزمین نور
پیغمبر صلی الله علیه و آله پاک خدا
جلوی چشم آدم ها
دست علی علیه السلام رو برد بالا
مردم بدونین که علی علیه السلام
امام و مولای شماست
بالا تر از او کسی نیست
اون مرد مردای شماست
من و علی علیه السلام جان همیم
انگار یه روحیم و دو تن
دوست علی علیه السلام دوست منه
دشمن اون دشمن من



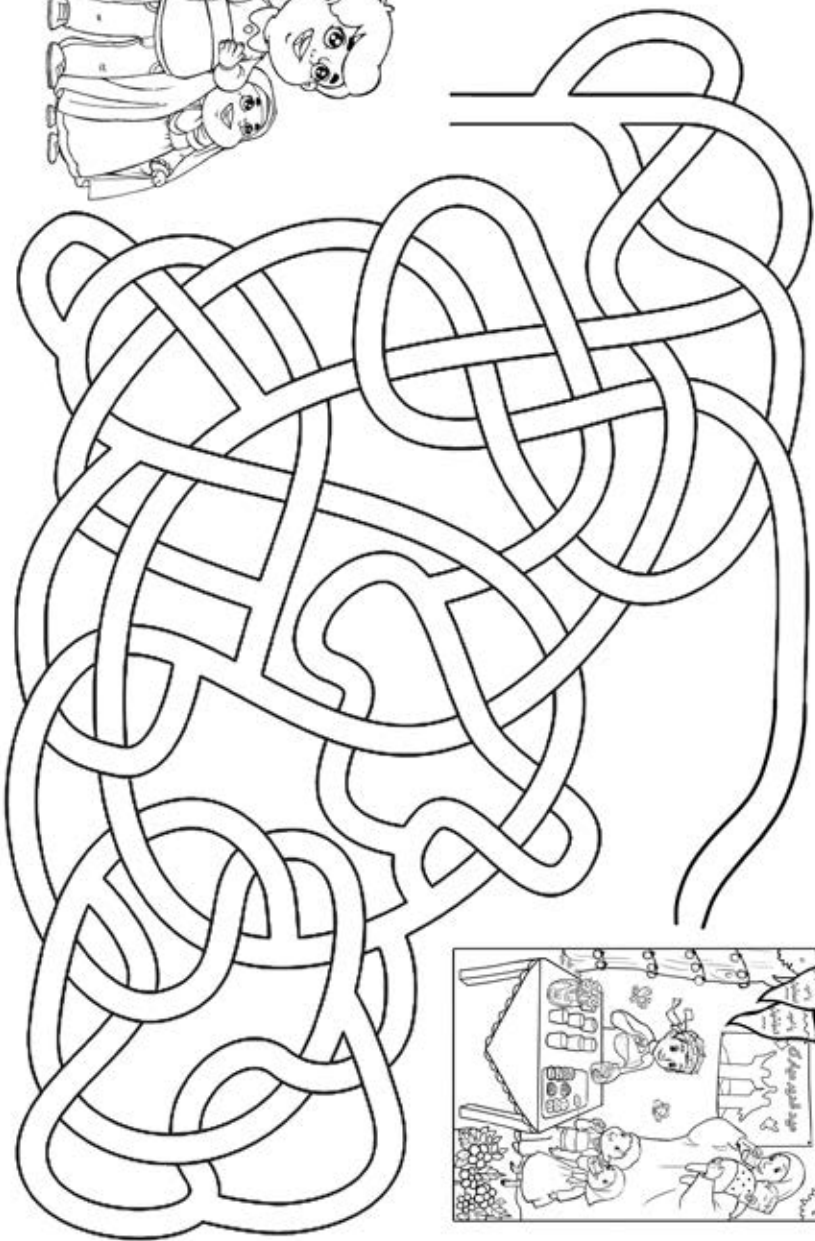




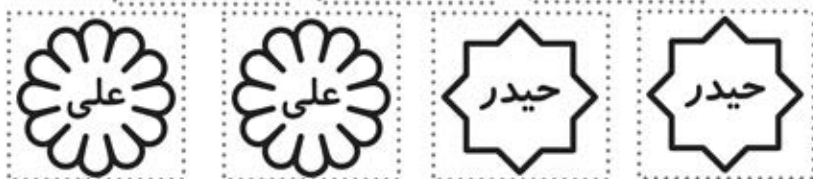
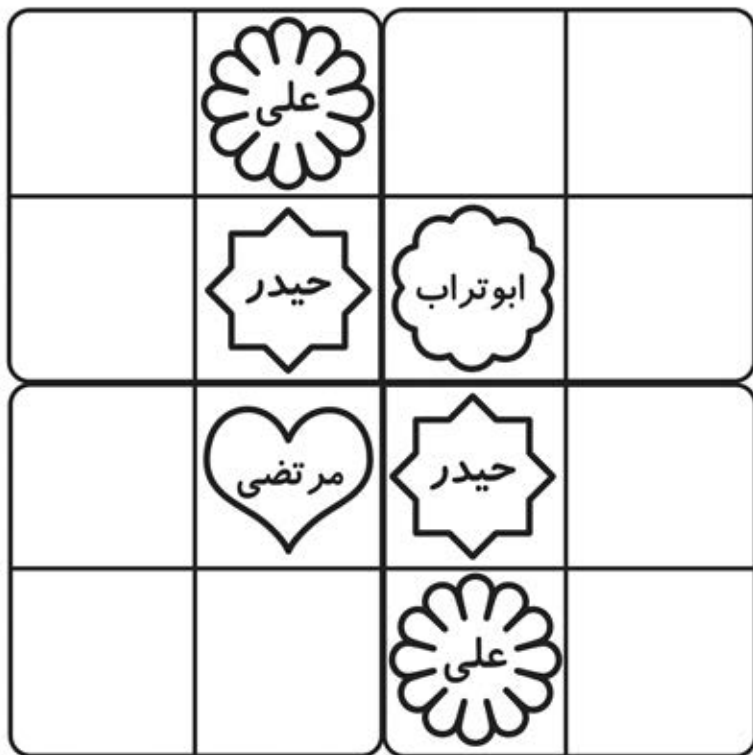
● دوست خوبم تصاویر مشخص شده در کادر بالا را در تصویر بیدیا کی و رنگ بزن

رنگ آمیزی





● دوست خوبم به بچه ها کمک کن تا به مراسم جشن عید غدیر برسند



رنگ آمیزی



صحبت تو هست، بهترین کلام

ای علی علیه السلام، رهبر و امام

یاد و نام تو، یک عبادت است

مهرت ای علی علیه السلام، از سعادت است



علیه السلام

۲۳. ۲۲ ۲۱

۲۴. ۲۰

۲۵. ۱۹

۲۶. ۱۸

۲۷. ۱۷ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۲۸. ۱۶ ۸

۲۹. ۱۵ ۹ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹

۳۰. ۱۴ ۱۰ ۷۴

۳۱. ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۷۳ ۷۲ ۷۱ ۷۰ ۶۹

۳۲. ۶۸

۳۳. ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷

۳۴. ۵۸

۳۵. ۵۷ ۵۶ ۵۵ ۵۴ ۵۳ ۵۲ ۵۱ ۵۰ ۴۹

۳۶. ۴۸

۳۷. ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷

۹. ۸

۱۰. ۷

۱۱. ۶

۱۲. ۵ ۴ ۳ ۱

۱۳. ۴ ۳ ۲ ۱۸

۱۴. ۱۵ ۱۶ ۱۷



● دوست خوبم ابتدا نقطه چین ها را به هم وصل کن، سپس نقاشی را به سلیقه خودت رنگ کن

۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۴	۴	۴	۳	۳	۳	۲	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۴	۴	۴	۳	۳	۳	۲	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۴	۴	۴	۳	۳	۳	۲	۵	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۲	۲	۴	۴	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۳	۳	۳	۴	۴	۴	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۲	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	۳
۲	۵	۵	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۴	۳	۳
۲	۵	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۵
۲	۵	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۵
۲	۵	۵	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۵
۲	۲	۲	۲	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۵	۵	۵
۵	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۵	۵	۵
۵	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۵	۵	۵
۲	۳	۳	۳	۳	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۵
۳	۳	۳	۳	۳	۵	۵	۵	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۵

● دوست خوبم لطفا اعداد را به ترتیب رنگ های ارائه شده، رنگ آمیزی کن.

۵: زرد

۴: نارنجی

۳: آبی

۲: سبز

۱: قرمز

..... رمز جدول

● دوست خوبم سوال ها را بخوان و به جواب های درست وصل کن.

فهذا علی مولاہ

لقب اختصاصی حضرت علی علیه السلام در غدیر خم

کعبه

نام پسران حضرت علی علیه السلام

انگشتر

حضرت ابوطالب

پیامبر فرمودند: من و پدران این امت هستیم

خیبر

شبی که حضرت علی علیه السلام در جای پیامبر خوابیدند را می نامند

جنگی که حضرت علی علیه السلام در ب قلعه را کردند...

لیله المبیت

حضرت علی علیه السلام در نماز، را به فقیر بخشیدند

مسجد کوفه
در حال نماز

نام شمشیر حضرت علی علیه السلام

بیش از ۱۲۰
هزار نفر

تعداد نفرات حاضر در غدیر خم

حسن و حسین
علیهم السلام

نام همسر حضرت علی علیه السلام

حضرت زینب
علیها السلام

نام پدر

حضرت زهرا
علیها السلام

من کنت مولاہ...

علی

محل تولد حضرت علی علیه السلام

امیر المومنین

نام دختر حضرت علی علیه السلام

ذوالفقار

محل شهادت حضرت علی علیه السلام



امتیاز این محتوا متعلق به گروه خدمتگزاران بوده و حق چاپ محفوظ می باشد.

خدمتگزاران

مرکز بخش ۰۱-۳۳۲۰۱-۵۱
khedmatgozaran.com



30002347